

متن پرسش

بسمه تعالی. سلام علیکم (تعارض غرب با اسلام؛ تعارضی ذاتی!) غرب بعنوان سرآمد امروزی فرهنگ مادی گرا و منقطع از واء عالم ماده، فرهنگ کثرت گرائیست که پیشرفت و قدرت خود را در کثراتی می‌بیند که او را به رفاه و قدرت بیشتری برساند. در مقابل فرهنگ اسلام، پرچم دار فرهنگ توحیدیست که پیشرفت خود را در انسجام و وحدت گرایی می‌بیند که در عین کثرت، وحدت قائم است. فرهنگ غرب پدیده‌هایی بوجود آورد که با آن همه‌گیری وحشت زاء، جامعه اسلامی را نیز آلوده کرد. که اینک جامعه اسلامی برخی از آن پدیده‌ها را خواسته یا ناخواسته رسمیت بخشید. از جمله ی آن پدیده‌ها که از دوره ای در غرب به اسم انقلاب صنعتی پیش آمد، دیجیتال و تکنولوژی در وسایل ارتباطی بود که اگر توجه به ذات آن شود، درک می‌شود که ذات آن به فرهنگ و روح ما معارض است و اینچنین است که آیت الله جوادی حفظه الله فرمودند که خیلی از علما حتی عهد کردند که قصه نخوانند؛ چرا که روح و ذهن بشریت را به عالم کثرتی می‌برد که ناخواسته، از آن انس معنوی که بنای جامعه توحیدی و راز خلقت بعنوان تربیت انسان و رسالت بود را درهم شکست! آری! اموری در زندگی روزمره ما عادی شده است که دشمنی ذاتی، در غالب نرم افزاری با روح و طبع بشر الهی دارد و هیچ راه حلی جز حذف آن و بازگشت به همان روحیه دوری از کثرات و شلوغی‌ها نیست و این مهم جز با برنامه ریزی مسئولین امر محقق نمی‌گردد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: موضوع نسبتی که باید با غرب داشت بسیار مفصل است. آری! از آن جهت که جنابعالی می‌فرمایید به عنوان فرهنگ کثرت گرایی، ما هیچ نسبتی با آن فکر و فرهنگ نداریم و روحیه تمامیت خواهی آن فکر و فرهنگ به همان معنای خودبنیادی، هیچ جایگاهی برای هیچ کس و هیچ جریانی قائل نیست. می‌ماند موضوع به خود آمدن انسان که می‌خواهد قرون وسطایی نباشد و به جای حضور در جهان در نسبت با انسانیت که در این مورد هم، گرفتار اومانیزم شد. عرایضی در این رابطه شده که خوب است به آن رجوع شود. موفق

باشید ۲۳۵۰۸ <https://eitaa.com/matalebevijeh/۲۳۵۰۸>